

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۱

## بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه اسلامی با کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو

۳۳

دو فصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

محمدجواد جاوید و همکاران  
بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه اسلامی با کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو

محمدجواد جاوید<sup>۱\*</sup>

امیر فامیل زوار جلالی<sup>۲</sup>

جواد فامیل زوار جلالی<sup>۳</sup>

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، ایران.

### چکیده

حقوق بشردوستانه بین‌المللی بخشی از حقوق بین‌الملل معاصر و حقوق بین‌الملل اسلامی است که ناظر به روابط بین دولت‌هاست. این قواعد و مقررات تنظیم‌کننده از اوایل شروع تاریخ بشر تا امروز با توجه به مقتضیات و شرایط زمان و مکان به وجود آمده و همواره گامی مثبت به سوی کاهش اثرات مضر جنگ برداشته‌اند. بررسی تطبیقی تحقیق حاضر در مجموعه مقررات و حقوق جنگ نشان می‌دهد که اعلامیه ۱۶ آوریل ۱۸۵۶ پاریس، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷ الحاقی به آن و نیز کنوانسیون سازمان ملل در سال ۱۹۸۱ میلادی در مقایسه با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه اسلامی دارای هم‌سویی بالایی است. این موضوع به عنوان فرضیه تحقیق مبتنی بر این مفروض است که قواعد و مقررات حمایتی از افراد در حقوق بشردوستانه اسلام وجود دارد. شاید به عنوان یک فرضیه فرعی قابل تعقیب بتوان گفت که تبار حقوق بشردوستانه بین‌الملل معاصر گاه ریشه در حقوق بشردوستانه اسلامی هم دارد.

**واژگان کلیدی:** حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، حقوق اسلامی.

در تاریخ حقوق بین‌الملل یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌ها که ریشه در اعماق تاریخ دارد، حقوق جنگ است. بر اساس یافته‌های مورخان و کارشناسان، در میان سومریان قواعدی مانند اعلام جنگ، حمایت و مصونیت سفرا و قرارداد صلح وجود داشته و در کتیبه‌های به جامانده از پادشاهان آشور، سوزاندن اسیران و ویران کردن خانه‌های مردم بابل سرزنش شده است. در فرهنگ اسلامی حرمت جان انسان یک اصل اولیه قلمداد شده است تا آن‌جا که خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده می‌فرماید: «هر کس انسانی را به ناحق بکشد گویی همه انسان‌ها را کشته است». درست است که اسلام به معنی صلح صفا است و صلح روح اسلام را تشکیل می‌دهد ولی بروز جنگ و درگیری میان انسان‌ها از واقعیت‌های انکارناپذیر جوامع بشری می‌باشد. پیامبر(ص) در جمع دو وضعیت متناقض ملاحظات انسان‌دوستانه و ضرورت جنگی در حدیثی مروت و رحمت و جنگ را با هم تلفیق کرده و فرموده‌اند: «من پیامبر عتوفت و رحمت و مرد میدان کارزار و جهادم». در این روایت پیامبر(ص) با ترتیب بیان این دو ضرورت، اولویت را بر عتوفت و رحمت قرار داده‌اند. در زمان پیامبر(ص) و صحابه ایشان از جمله حضرت علی (ع) جنگ‌های متعددی با کفار و سران شرک به وقوع پیوست که مجموع روایات و رویه‌ای که ایشان در جنگ‌ها به کار می‌بردند به علم «سیر» معروف شده شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل اسلامی است که با عنوان حقوق بشردوستانه اسلامی در زمان مخاصمات کارایی دارد.

در حقوق بین‌الملل معاصر نیز مجموعه از قواعد و مقررات وجود دارند که وضعیت‌های جنگی را کنترل و به حمایت از قربانیان و افراد متأثر از جنگ می‌پردازند. از جمله این قواعد کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن می‌باشد. در این مقاله قرار است به بررسی تطبیقی حقوق بشردوستانه اسلامی با کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو بپردازیم و در نهایت به سؤال زیر پاسخ دهیم:

سؤال: حقوق بشردوستانه اسلامی حاکم در زمان صدر اسلام چه تفاوتی با حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر که شامل کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می‌باشد، در خصوص مخاصمات دارد؟

فرضیه ما این است، علی‌رغم اینکه قدمت حقوق بشردوستانه اسلامی به قرن‌ها پیش باز می‌گردد، دارای مقررات کاملی در خصوص مخاصمات مسلحانه است و چه بسا قوانین و مقررات امروزی مثل کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو نشأت گرفته از همین حقوق بشردوستانه اسلامی می‌باشد.

با توجه به گستره‌ی وسیع موضوعات در حقوق بشردوستانه در این مقاله دو موضوع مرتبط با حقوق جنگ را از رهگذر روش‌های توصیفی، کیفی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم. ابتدا به موضوع حمایت از افراد خاص متأثر از جنگ می‌پردازیم و بعد از آن مسأله مصادره اموال و غنایم جنگی را بررسی خواهیم کرد تا در نهایت به این نتیجه برسیم که هر در کدام از این موضوعات چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی معاصر وجود دارد.

## ۱. حمایت از افراد خاص

مطابق یک اصل اسلامی «جنگ‌ها، نظام‌ها را رو در روی یکدیگر قرار می‌دهد و نه مردم را، بنابراین تا آنجا که ضروریات نظامی ممکن می‌سازد، افراد باید از تعرض مصون باشند» (بوآزار، ۱۳۶۹: ۱۰۷). اصل مذکور نتایج بسیاری را به دنبال دارد. ممنوعیت جنگ با مردم غیرنظامی و تمایز بین رزمنده و غیررزمنده، منع جنگ با افراد بی‌سلاح، مجروح، بیمار، زن، کودک، پیر... از آن جمله است. منظور از افراد مورد حمایت خاص افرادی هستند که به سبب ویژگی و موقعیت خاصی که دارند معمولاً نمی‌توانند در جنگ‌ها شرکت داشته باشند و به همین دلیل باید در خلال مخاصمات مصون از تعرض بمانند. در این فصل به بررسی وضعیت گروه‌های مختلفی که مشمول عنوان افراد خاص می‌شوند یعنی زنان و کودکان، افراد سالخورده، معلولین و بیماران، زخمی‌ها و مجروحان، روحانیون و پیشوایان دینی در حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌پردازیم و در پایان استثنائاتی که بر حمایت از آنان وجود دارد را تحت عنوان ضرورت کشتن افراد مورد حمایت خاص بیان خواهیم داشت.

### ۱-۱. زنان و کودکان

طبق موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، زنان اعم از اینکه رزمنده، غیرنظامی و یا خارج از صحنه نبرد باشند از همان حمایتی که مردان برخوردارند، بدون تبعیض بهره‌مند می‌شوند. در مجموع، مقررات حقوق بشردوستانه با توجه به نیازهای ویژه زنان و شخصیت آسیب‌پذیری که دارند، حقوق و حساسیت بیشتری برای آنان قائل شده است. این ویژگی خاص و حساسیت‌ها به طریق اولی در مورد کودکان هم وجود دارد. در حقوق بشردوستانه اسلامی زنان و کودکان از تعرض مصون هستند و کشتن آنها به طریق اولی ممنوع است. کودکان که به سن بلوغ نرسیده‌اند و همچنین زنان به علت ضعف بنیه و ناتوانی و عدم قدرت بر جنگیدن در جنگ‌ها شرکت نمی‌کنند. بنابراین باید

از هر گونه تعرض مصون بمانند (عدنان، ۲۰۱۰: ۱۸۶). در این رابطه می‌توان به نصوص منقول از پیامبر(ص) و ائمه معصومین و هم‌چنین عملکرد پیامبر و خلفا در مخاصمات اشاره کرد. پیامبر(ص) فرموده‌اند: «لا تقتلوا إمرأه ولا ولیدها» زنان و کودکان را نکشید. هم‌چنین از ابن‌عمر نقل شده است که در یکی از جنگ‌ها زنی در میان کشته‌شدگان دیده شد و پیامبر(ص) ناراحت شدند و از کشتن زنان و کودکان نهی کردند (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۱۰). در وصیت ابوبکر به سربازانش نیز آمده است: «لا تقتلوا امرأه و لا صبیلاً...» زنان و کودکان را نکشید (عدنان، ۲۰۱۰: ۱۸۶). امیرالمؤمنین (ع) نیز همواره بر رعایت حال زنان و کودکان تأکید داشتند و هنگام اعزام لشکریان خود و در دستوراتش خطاب به آنها می‌فرمایند: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند، زیرا به یاری خدا حجت با شماست و آغازگر جنگ نبودنتان، تا آن‌که دشمن به جنگ روی آورد حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند، آن‌کس را که پشت کرده نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید، زنان را با آزار و اذیت تحریک نکنید، هر چند آبروی شما را بریزند یا اسیران شما را دشنام دهند و به شما ناسزا گویند. در روزگاری که زنان مشرک بودند، مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب به زنی حمله می‌کرد، او و فرزندانش را سرزنش می‌کردند» (علی بن ابی‌طالب، ۱۳۷۹: ۳۵۳).

یکی از قواعدی که در حقوق بشردوستانه بین‌المللی وجود دارد عبارت است از اینکه «نیازهای حمایتی خاص، بهداشتی، کمکی زنان متأثر از درگیری‌های مسلحانه باید مورد احترام قرار گیرد». قواعدی که طبق آن نیازهای خاص زنان متأثر از درگیری‌های مسلحانه باید محترم شمرده شود ناشی از مفادی است که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مطرح گردیده است. برای مثال مطابق کنوانسیون چهارم ژنو «رفتار با زنان می‌بایست با رعایت کلیه ملاحظات مربوط به جنسیت آنها صورت بگیرد»<sup>۱</sup> و پروتکل الحاقی اول تأکید می‌کند که «زنان باید مورد احترام خاص قرار گیرند»<sup>۲</sup>. طبق بند دوم ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو «زنان به خصوص در مقابل هرگونه تخطی به شرافت از جمله مقاربت به عنف و اجبار به فحشا و هرگونه تجاوز به عنف حمایت خواهند شد». در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی دوم نیز که در مورد مخاصمات مسلحانه است غیرین‌المللی است، تأکید شده که احترام و شرافت انسانی افراد باید حفظ شده و از اعمال خشونت نسبت به حیات و سلامتی و آرامش جسمی و روانی این افراد خودداری شده و از بی‌حرمتی به کرامت انسانی از جمله رفتار تحقیرآمیز، تجاوز، فحشای اجباری و

دیگر انواع اعمال ناشایست جلوگیری به عمل آید.<sup>۳</sup> بنابراین مشاهده می‌شود، همان‌طور که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر در مورد حمایت از زنان و رفع نیازهای خاص آنان بین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تفاوتی نگذاشته، در عصر پیامبر(ص) نیز همین عدم تبعیض مشاهده می‌شود و پیامبر(ص) در حمایت از زنان چه در دارالحرب و چه در سرزمین‌های اسلامی و جنگ با مخالفین و گروه‌های مسلح داخلی نیز تفاوتی قائل نبودند و چه بسا در مخاصمات داخلی این حمایت گسترده‌تر بود (جنگ با باغیان و خوارج متمرده).

در مورد حمایت از زنان باردار و مادران کودکان خردسال نیز مقررات فراوانی در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی اول به چشم می‌خورد که بر لزوم این مراقبت‌ها از جمله تأمین غذا، پوشاک، مراقبت‌های پزشکی، چگونگی تخلیه و حمل و نقل ایشان تأکید شده است.<sup>۴</sup> عمل به این الزامات در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی نیز پیش‌بینی شده است.<sup>۵</sup> اگر چه این مقررات حمایتی از زنان باردار و مادران کودکان خردسال به همین صورت در حقوق بشردوستانه اسلامی نیامده ولی از نصوص آمده از آن زمان و روایت‌های مختلف می‌توان قیاس کرد که وقتی حمله و کشتن زنان ممنوع بوده پس به طریق اولی وقتی آنان در وضعیت بارداری هستند و یا بچه‌های خردسال به همراه دارند نیز مصون از تعرض هستند و از آنان حمایت می‌شده است. تکلیف حمایت ویژه از کودکان در سراسر کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل الحاقی اول مشاهده می‌شود.<sup>۶</sup> این موارد شامل تغذیه، پوشاک، دارو، مراقبت از ایتم یا کودکان جدا شده از خانواده، چگونگی رفتار در دوران محرومیت از آزادی و توزیع محموله‌های امدادی است. این مقررات حمایتی به این صورت جزئی در حقوق بشردوستانه اسلامی نیامده ولی کودکان هم‌چنان مشمول اصل کلی مصونیت افرادی که در جنگ شرکت ندارند هستند و کشتن آن‌ها ممنوع است.

## ۲-۱. سالخوردهگان

افراد پیر و سالخورده یکی دیگر از گروه‌های مورد حمایت در جنگ‌ها هستند و احترام به آن‌ها و حمایت از آن‌ها در حقوق بین‌الملل بشردوستانه همواره تأکید شده است. علامه حلی از فقیهان امامیه سالخوردهگان را به ۴ دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- آنانی که در فنون جنگ صاحب‌نظرند و در جنگ هم شرکت دارند
- ۲- آنانی که در امور جنگ صاحب‌نظرند ولی اهل جنگ نیستند
- ۳- آنانی که در امور جنگی صاحب‌نظر نیستند ولی در جنگ شرکت دارند

۴- آنانی که نه صاحب نظرند و نه اهل جنگ هستند.

از نظر علامه در این بین فقط گروه چهارم از مصونیت برخوردارند (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۱۴). در این رابطه تقریری از پیامبر(ص) در جنگ خیبر نقل شده است. در جنگ مزبور سربازان اسلام «درید بن لصمه» را که پیرمردی ۱۵۰ ساله بود و مشرکان او را با خود آورده بودند تا از آرا و تدابیر او در فنون نظامی بهره ببرند را به قتل رسانند و پیامبر(ص) اعتراضی به این اتفاق نکرد. این فرد در گروه دوم جای می گیرد؛ یعنی افرادی که در جنگ شرکت ندارند ولی در امور جنگی صاحب نظرند. هم چنین پیامبر(ص) به لشکریان خود که در حال حرکت برای جنگ بودند سفارش می کردند که «لا تقتلوا شیخا فانیا» (حلی، بی تا: ۹۱۱). دلیل دیگر این است که افراد سالخورده به دلیل اینکه در گروه ضعفا قرار دارند، پس باید مورد حمایت قرار گیرند. در حقوق بین الملل بشردوستانه نیز احترام به سالمندان و حمایت ویژه از آنان در زمینه تخلیه آنها از یک منطقه و چگونگی رفتار با آنها در قسمت های مختلف از کنوانسیون های سوم و چهارم ژنو پیش بینی و مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۷</sup> برای نمونه در بخشی از ماده ۱۱۹ کنوانسیون چهارم ژنو آمده که: «مجازات های انتظامی نباید خلاف انسانیت یا توأم با خشونت یا خطرناک جهت سلامت بازداشتیان باشد و باید در موقع تعیین مجازات سن، جنس و وضع مزاج بازداشتیان در نظر گرفته شود». در این ماده و مواد دیگر از همین کنوانسیون، حمایت از افراد سالمند به همین صورت به شکل غیرمستقیم آمده که در مورد مجازات، بازداشت و به اسارت گرفتن باید سن آنها در نظر گرفته شود و آن جزئیاتی که در حقوق بشردوستانه اسلامی است را منعکس نمی کند ولی در هر صورت بر اساس اصل شرکت در مخاصمه می توان مورد به مورد تعیین کرد که رفتار با افراد سالمند باید چگونه باشد.

### ۳-۱. معلولین، بیماران، زخمی ها، مجروحان

معلولین و بیماران به جهت وضعیت جسمانی که دارند اغلب در جنگ ها شرکت ندارند و مشمول حکم عام مصون بودن افرادی که در کارزار شرکت ندارند خواهند بود. افرادی هم که زخمی و مجروح شده اند و توان مبارزه ندارند از تعرض در امان هستند. در حقوق بشردوستانه اسلامی علاوه بر حکم عام مصون بودن افرادی که در جنگ شرکت ندارند، نصوص مختلفی در مورد خود این افراد ذکر شده است. از جمله «ابی عبدالله صادق» در روایتی، معلولان جسمی و نابینایان را هم ردیف کودکان و زنان دانسته و چون پرداخت جزیه بر آنها واجب نیست پس قتل آنها هم مجاز نخواهد بود (عاملی، ۱۴۰۳: ۴۸-۴۷) شیبانی در فصل هشتم کتاب الاصل خود اشاراتی به سیره حضرت علی(ع) نمود که در

پیروی از سیره پیامبر(ص) به نحو آشکاری دیده می‌شود. او می‌گوید در جنگ جمل که بین خلیفه حضرت علی(ع) و شورشیان جنگ درگرفت، هرچند پیروزی قاطع نصیب امام علی(ع) بود ولی ایشان فرمودند: «هرکس که می‌خواهد برود مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت. هیچ اسیر جنگی مسلمان نباید کشته شود، مجروحین جنگی کشته نخواهند شد، هیچ زن یا کودکی به بردگی گرفته نمی‌شود و مایملک مسلمین ضیط نخواهد شد» (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۰۵-۱۰۴).

حمایت از معلولین و افراد ناتوان و احترام ویژه به آنان در مفاد کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو در زمینه رفتار با افراد معلول و ناتوان مورد شناسایی قرار گرفته است.<sup>۸</sup> بند اول ماده ۱۶ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌دارد که «افراد ناتوان باید موضوع حمایت و احترام ویژه قرار گیرند». حق برقراری معلولین از حمایت و مراقبت ویژه در اسناد مرتبط با درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. حمایت از افراد معلول و از کار افتاده با توجه به شرایطی که در آن قرار می‌گیرند، می‌تواند متفاوت باشد. مثلاً کنوانسیون ژنو در جایی ایجاد امنیت و انعقاد موافقتنامه برای تخلیه افراد معلول و از کار افتاده از نقاط محاصره شده را مورد تأکید قرار می‌دهد<sup>۹</sup> و در جایی دیگر اولویت قائل شدن برای آزادسازی و استرداد بازداشت شدگان مجروح بیمار را راهی برای حمایت از این افراد می‌داند.<sup>۱۰</sup> وظیفه مربوط به جمع‌آوری رزمندگان مجروح و بیمار در مخاصمات مسلحانه به صورت مشروح در کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو<sup>۱۱</sup> و پروتکل الحاقی اول منعکس شده است.<sup>۱۲</sup> مطابق کنوانسیون هر یک از طرف‌های متخاصم ملزم هستند که کلیه اقدامات لازم را جهت جستجو، جمع‌آوری و تخلیه و انتقال مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان به عمل آورد. می‌توان گفت که مقرراتی که در مورد این افراد در حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های ژنو آمده با هم هم‌خوانی دارد و مقررات معاصر نمونه‌ی پیشرفته‌تر از مقررات حمایتی است و بیشتر مسائل مربوط به بعد از نبرد را شامل می‌شود در حالی که حقوق بشردوستانه اسلامی به حمایت این افراد در حین نبرد تأکید کرده است و در مورد حمایت‌های بعدی از آنان به نظر می‌رسد قواعدی به صورت امروزی موجود نباشد.

#### ۴-۱. روحانیون و پیشوایان دینی

روحانیون و پیشوایان دینی در عرف به افرادی می‌گویند که به انجام مراسم و تشریفات دینی می‌پردازند و در مکان‌هایی به دور از جامعه به عبادت مشغول هستند. در فقه اسلامی به روحانیون و پیشوایان دینی رجال‌الدین می‌گویند. منظور پیروان ادیان مورد قبول اسلام



است یعنی مسیحیت، یهود، زرتشت و صائب که این چهار گروه را اهل کتاب می‌نامند. قرآن کریم در آیه ۴۱ سوره حج میان مسجد و معابد سایر ادیان تفاوتی قائل نشده و به محترم بودن هر دو تأکید کرده است. در این خصوص به نظرات فقها اشاره می‌کنیم. ابوحنیفه بیان می‌دارد: «اگر فتح و سلطه بر سرزمین دشمن منوط به قتل راهبان باشد قتل آن‌ها مجاز است» (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۲۱). علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام راهب را در میدان جنگ مطلقاً مستحق قتل می‌داند ولی در کتاب تحریر الاحکام، راهبان و اصحاب صومعه را مشروط به اینکه قوه بینایی داشته باشند، قابل کشتن می‌داند اعم از اینکه در میدان جنگ باشند یا در صومعه و کلیسا (صاحب جواهر، ۱۳۶۲: ۷۶).

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه از پیشوایان دینی تحت عنوان کارکنان مذهبی یاد می‌شود. اصطلاح کارکنان مذهبی به کارکنانی اعم از نظامی یا غیرنظامی اطلاق می‌شود که منحصراً به امور مذهبی می‌پردازند و به یکی از طرف‌های منازعه یا به واحدهای پزشکی یا حمل و نقل آن‌ها یا به یک سازمان دفاع غیرنظامی وابسته هستند.<sup>۱۳</sup> احترام به کارکنان مذهبی و حمایت از آن‌ها در ماده ۲۴ کنوانسیون اول ژنو و ماده ۳۶ کنوانسیون دوم ژنو عنوان گردیده است. دامنه شمول این احترام در ماده ۱۵ پروتکل الحاقی اول گسترش یافته و علاوه بر کارکنان مذهبی نظامی، کارکنان مذهبی غیرنظامی را نیز شامل می‌شود. این امر تبدیل به عرف گردیده است که کشورها عموماً هنگام اشاره به کارکنان مذهبی تمایزی میان کارکنان مذهبی نظامی و غیرنظامی قائل نمی‌شوند. هم‌چنین رعایت احترام و حمایت از کارکنان مذهبی به عنوان یک وظیفه در ماده نه پروتکل الحاقی دوم عنوان گردیده و هیچ قید تحفظی نسبت به آن وارد نگردیده است.

بنابراین این وجه مشترک در حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود داد که هر وقت کارکنان مذهبی یا پیشوایان دینی از وظایف خود فاصله گرفته و عملاً در امور نظامی دخالت کنند و اعمالی مضر به حال دشمن انجام دهند از آن‌ها سلب مصونیت خواهد شد. البته مصونیت روحانیون و پیشوایان دینی در فقه نسبت به آنچه که در کنوانسیون چهار گانه ژنو آمده محدودتر است، زیرا در حقوق بین‌الملل اسلامی فرض این است که روحانیون در مکان‌های عبادتی و دور از صحنه نبرد هستند و گرنه مصونیت خود را از دست خواهند داد در حالی که کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی آن شامل روحانیون هم می‌شود که رسماً در پادگان‌ها حضور دارند و به آموزش دینی سربازان می‌پردازند و برای آن‌ها مراسم اجرا می‌کنند و در عین حال از مصونیت هم برخوردار هستند.



در مجموع می‌توان گفت افراد خاص که شامل افرادی می‌شوند که به دلیل ویژگی یا موقعیتی که دارند قادر به شرکت در نبرد نبوده و باید مصون از تعرض بمانند هم در حقوق بشردوستانه اسلامی و هم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه معاصر تحت حمایت هستند. از نظر تاریخی قدمت این اقدامات و توصیه‌های پیامبر(ص) و ائمه معصومین به قرن‌ها پیش بر می‌گردد، پس هرچند این قواعد در آن زمان وجود نداشته اما در عمل رعایت می‌شده و نمی‌توان گفت که صرفاً نکاتی اخلاقی بوده‌اند بلکه فراتر از آن بوده و همراه با ضمانت اجرایی مؤثر از سوی خود پیامبر(ص) و ائمه(ع) مورد نظارت قرار می‌گرفتند.

## ۲. مصادره اموال و غنایم جنگی

فرض کلی بر این است که تمام سرزمین‌های واقع در قلمرو یک دولت، از اموال آن دولت محسوب می‌شود، اعم از اینکه تحت تملک اشخاص حقیقی باشد یا توسط خود دولت تملک شده باشد. به همین علت، تجاوز علیه اموال شهروندان یک کشور، همانند تجاوز علیه اموال تحت حاکمیت آن دولت است و بی‌حرمتی نسبت به دولت اخیر تلقی می‌گردد. البته همه اموال یک دولت همیشه در محدوده‌ی آن دولت تمرکز ندارد و ممکن است مقداری از اموال در کشورهای دیگر واقع شده باشد، مثل اموال متعلق به سفارتخانه‌ها و شهروندان که موقتاً در خارج از کشور ساکن هستند. در بخش حاضر، موضوع مصادره اموال و غنایم جنگی در حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را طی دو بخش مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۲-۱. مصادره اموال:

در اثر فتح و اشغال یک سرزمین، حاکمیت آن به فاتح منتقل می‌شود. هم‌چنین اشغال یک سرزمین اعم از اینکه دائم یا موقتی باشد به اشغال‌گر حق می‌دهد که به وضع مالیات و اداره در آنجا بپردازد و آن را جزئی از قلمرو خود محسوب کند. مسأله طرز اداره سرزمین فتح شده از همان صدر اسلام موضوعی اختلاف‌آفرین بود و در سنت نبوی رویه واحدی یافت نمی‌شود. زیرا رسول خدا(ص) مثلاً در مورد سرزمین مفتوح‌العنوه این سرزمین را بین سپاهیان خود هم‌چون غنیمت توزیع فرمودند. اما در مواقع دیگر نه تنها مغلوبان را آزاد می‌ساختند بلکه اجازه تعرض و به غنیمت گرفتن اموال آن‌ها را نیز نمی‌دادند. البته باید خاطر نشان کرد که تقسیم سرزمین‌العنوه توسط پیامبر(ص) میان سربازانشان فقط در مورد قضیه بنی‌نضیر و بنی‌قریظه اتفاق افتاد. در قضیه بنی‌نضیر، پیامبر(ص) فقط به اخراج

یهودیان آنجا رضایت داده و اجازه دادند که هر کس یک بار شتر از اموال خودش را ببرد و در نتیجه بقیه اموال و املاکشان خالی و بلاصاحب شد و در اختیار رئیس حکومت قرار گرفت ولی در قضیه بنی قریظه، داوری از سوی پیامبر تعیین شد که این داور بر اساس کتاب مقدس خودشان (سفر تثبیه) حکم کرد که در نتیجه تمام املاکشان بلاصاحب شد. دلیل این تفاوت حکم این بود که پیامبر(ص) در قضیه بنی نضیر نسبت به یهودیان، رأفت و ارفاق بسیاری قائل شده بودند. اما آنان به جای سپاسگزاری، اقدام به محاصره خندق کردند و درست قبل از محاصره موجب شدند که پیامبر(ص) با سپاهی کوچک به دومه الجنل (مکانی نزدیک مدینه) بروند. در واقع یهودیان بنی قریظه که در مدینه زندگی می‌کردند، قصد داشتند از پشت به مسلمانان خنجر بزنند و به همین دلیل می‌توان گفت که ارفاق قبلی در حق یهودیان بنی نضیر نتیجه عکس داد و به همین دلیل پیامبر(ص) آن ارفاق قبلی را برایشان قائل نشدند (ابن هشام، بی تا: ۶۶۸).

در مورد دیگری هنگامی که یهودیان خیبر با مسلمانان جنگیدند و سرانجام تسلیم شدند، پیامبر(ص) دستور دادند که آن‌ها بر زمین‌های خود باقی بمانند و تا صدور دستورات بعدی به صورت مستأجر کار کنند. مصادره تمام زمین‌های بلاصاحب و نیز قلاع نظامی به نفع دولت و ابقای مالکیت مالکان بر اموالشان از شرایطی بود که در مورد مردم شکست خورده‌ای که اخراج آن‌ها به صلاح نبود، اتخاذ می‌گردید. ظاهراً همین روش درباره‌ی سرزمین‌هایی که بدون جنگ به دست می‌آمد نیز اعمال می‌شده است. که به نمونه‌های آن در عصر پیامبر(ص) در مورد زمین‌های واقع در عربستان و فلسطین بر می‌خوریم (حمیداله، ۱۳۸۰: ۲۷۵).

در مورد اموال عمومی غیر منقول در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قاعده عرفی این است که این دسته از اموال کشور شکست خورده، توسط دولت پیروز با حفظ و بقای عین آن‌ها مورد استفاده و اداره قرار می‌گیرد. این امر در کد لیبر، اعلامیه بروکسل، دستورالعمل آکسفورد و مقررات لاهه به شرح زیر تصریح گردیده است:

«دولت اشغال‌گر باید از ابنیه و املاک عمومی، جنگل‌ها و زمین‌های زراعی کشور مقهور به صورت یک اداره‌کننده و بر اساس مقررات استفاده از اموال با حفظ و بقا عین استفاده کند.»

یعنی دولت اشغال‌کننده فقط می‌تواند به عنوان مدیر و صاحب حق انتفاع از بناهای عمومی، ساختمان‌ها، جنگل‌ها و منبع کشاورزی متعلق به کشور اشغال شده بهره‌برداری کند (روسو، ۱۳۶۹: ۱۰۳). در دستورالعمل‌های نظامی بعضی از کشورها نیز این‌گونه

تصریح شده است که «این‌گونه اموال بدون آن‌که مصادره شوند، می‌توانند اداره شده و مورد استفاده قرار گیرند». بنابراین رویه این است که اموال غیرعمومی منقول را نمی‌توان مصادره کرد و آن‌ها به عنوان غنایم بین ارتش تقسیم نمود. در حالی که در عصر پیامبر(ص) رویه این بود که در صورت پیروزی املاک عمومی و متعلق به دولت و هم‌چنین قلاع نظامی مصادره می‌شدند.

در عرصه بین‌المللی در خصوص اموال منقول عمومی آمده است که اگر این اموال کاربرد نظامی داشته و برای عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفته، می‌توان آن‌ها را مصادره کرد که این تبدیل به یک قاعده عرفی بین‌المللی شده است. با نگاهی به حقوق بشردوستانه اسلامی متوجه عدم اشاره به این قید می‌شویم. یعنی در جنگ‌های آن عصر تفکیکی میان اموال عمومی منقول و غیرمنقول وجود نداشت و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال می‌توانست مصادره شود؛ بدون بررسی اینکه کاربرد نظامی داشته است یا خیر؟

در رابطه با اموال خصوصی آنچه که در کد لیبی و مقررات لاهه مورد شناسایی قرار گرفته است این می‌باشد که حمایت از اموال خصوصی در مقابل مصادره یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی است. در واقع منظور این است که اموال متعلق به اشخاص خصوصی مصون از تعرض و مصادره هستند. البته منع تعرض به اموال خصوصی به آن معنا نیست که هرگز چنین امری نمی‌تواند واقع شود. در ماده ۵۳ مقررات لاهه آمده است: «... و کلیه وسایل و ابزارآلات چه بر روی زمین چه بر روی دریا یا آسمان که برای انتقال اخبار یا حمل و نقل اشیاء و افراد به کار می‌رود و نیز انبارهای تسلیحاتی و مهمات و به طور کلی هرگونه اموال و متعلقاتی که می‌تواند کاربرد جنگی داشته باشد، ممکن است توسط قوای اشغال‌گر اخذ و تصاحب شوند. ولو آنکه چنین اموالی در تملک افراد باشند. متنها پس از برقراری صلح بایستی در حق مالکین آن‌ها جبران شود» (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۲۹۲).<sup>۱۴</sup>

رویه حقوق بشردوستانه اسلامی در برخورد با اموال متعلق به اشخاص خصوصی از یک جنگ به جنگ دیگر متفاوت بوده و همه چیز به شرایط تسلیم بستگی داشت. همان‌طور که ذکر شد در مواردی پیامبر(ص) دستور می‌دادند که افراد بر روی زمین‌های خود باقی بمانند و به صورت مستأجر کار کنند و در مواردی هم به ابقای مالکیت بر اموال خود فرمان می‌دادند. هم‌چنین در مورد دیگر فقط اجازه می‌دادند که آنچه را که می‌توانند با خود ببرند و باقی اموال متعلق به دولت اسلامی است. لیکن موردی از غارت عمومی و

بی قید و شرط در صدر اسلام نداریم.

## ۲-۲. غنایم جنگی:

اصطلاح غنیمت در مورد شی یا اشیایی به کار برده می‌شود که با اعمال قدرت از غیرمسلمانان اخذ شود. در برخی از تعاریف آمده است: «غنیمت جنگی یعنی اموال عمومی دشمن که در میدان نبرد به تصرف درآمده‌اند» (بلدستو و بوسچک، ۱۳۷۵: ۴۳۵-۴۳۶). عنصر اجبار و فشار و اجازه امام از لوازم حتمی غنیمت است زیرا اموالی که بدون اجبار و فشار تحصیل شده باشد «فی» نامیده می‌شود و اموالی که بدون اجازه امام تحصیل شده باشد به عنوان سرقت تلقی خواهد شد نه غنیمت (خدوری و حیدرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

هنگامی که مسلمانان به مدینه هجرت و دولت در آنجا تأسیس کردند، راجع به غنایم جنگی احکامی نداشتند که مطابق آن عمل کنند. از این رو در چنین مواردی پیامبر(ص) بیش‌تر از روش اهل کتاب پیروی می‌کرد. برای مثال هنگامی که در جنگ بدر ده‌ها نفر از افراد دشمن اسیر شدند. در شورای مشورتی پیامبر(ص) بین آن‌هایی که نظر به سر بریدن افراد داشتند و گروهی که پیشنهاد آزادی آن‌ها را با پرداخت فدیة دادند، اختلاف نظر بروز کرد. اما پیامبر(ص) از روی عطف و نظر دوم را پذیرفت و در مورد غنایم عمومی نیز در کمال احتیاط و حزم عمل کرد. تا آن زمان حکمی در مورد غنایم وجود نداشت تا اینکه از سوی قرآن حکم شد غنایمی که در جنگ به دست می‌آید باید به نسبت چهار به یک بین افراد سپاه و حکومت تقسیم شود.<sup>۱۵</sup> اما غنایمی که بدون جنگ به دست می‌آید و در اصطلاح فیء نامیده می‌شد کلاً به بیت‌المال اختصاص می‌یافت و در اختیار رئیس حکومت قرار می‌گرفت. علاوه بر این چهار سهم که به سربازان تعلق می‌گیرد، آن‌ها دو نوع پاداش یا جایزه نیز در قبال کوشش خود دریافت می‌کنند یعنی تنفیل و سلب. تنفیل به جایزه‌ای گفته می‌شود که به سربازان در ازای انجام دادن کارایی که خطرات جانی داشته داده می‌شد و این پاداش از سهم حکومتی تأدیه می‌شد. سلب غنیمتی است که یک رزمنده پیروز از مال دشمن کشته شده به دست خود کسب می‌کند. البته شرایطی دارد که عبارت‌اند از:

- ۱- با خطر جانی همراه باشد
- ۲- در نبرد او را کشته باشد
- ۳- برای کشتن با مقاومت دشمن مواجه شده باشد
- ۴- دشمن را بکشد

۵- امام آن را شرط کرده کرده باشد

۶- مقتول جایز القتل و از سپاهیان و جنگجویان دشمن باشد در این صورت سلب به مجاهد کشنده‌ی آن می‌رسد که در معرکه حضور داشته است. بنابراین برداشتن وسایل شخصی سپاهیان دشمن از قبیل انگشتر، لباس و کفش با رعایت شرایط مذکور مانعی ندارد. برخی دیگر گفته‌اند: سلب جامه باشد که در تن کفار باشد. مانند: جوشن، زره، کلاه خود، چکمه و آلات حرب مثل: سلاح، شمشیر، حیوانات سواری، زین، لجام، دستبند، کمربند، انگشتری و نحو آن‌ها» (دانش پژوه، ۱۳۴۵: ۴۰).

در حقوق بشردوستانه بین‌المللی در خصوص برخورد با اموال طرف مقابل درگیری، قاعده این است که «هر یک از طرفین می‌توانند تجهیزات نظامی طرف مقابل را به عنوان غنیمت جنگی تصاحب کنند». رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی قابل اعمال می‌داند. این قاعده که طرفین می‌توانند تجهیزات نظامی طرف مقابل را به عنوان غنیمت جنگی تصاحب کنند در کد لیبِر ذکر شده است و منعکس‌کننده سابقه طولانی در درگیری‌های بین‌المللی است. این قاعده به صورت تلویحی در مقررات لاهه و کنوانسیون سوم ژنو مورد اشاره قرار گرفته که اشعار می‌دارد، اسرای جنگی حق دارند اموال خصوصی خود را در ملکیت خود نگاه دارند.<sup>۶</sup> یعنی لوازم شخصی (به استثنای اسلحه، اسب، تجهیزات نظامی) و کلاه خودهای فلزی، ماسک‌های ضد گاز و کلیه اشیایی که به منظور حفاظت شخصی است و نیز لوازم مربوط به ملبوس یا تغذیه آن‌ها جزو غنایم محسوب نمی‌شود و در اختیار خودشان باقی می‌ماند.

در حقوق بشردوستانه اسلامی در مورد اینکه غنایم جنگی تنها شامل تجهیزات نظامی می‌شود یا اموال شخصی نظامیان دشمن را هم در بر می‌گیرد، مستند و روایتی در دست نیست و می‌توان گفت بسته به شرایط تسلیم و شرایط اوضاع و احوال نتیجه متفاوت است. در روایتی آمده در خبیر پیامبر(ص) شرط کرد که افراد دشمن شکست‌خورده، همه چیز را تسلیم کنند مگر لباس‌هایی که بر تن دارند. از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که چون لباس جزو لوازم شخصی است، پس به نظر می‌رسد در عصر پیامبر(ص) نیز لوازم شخصی جزو غنایم نباشد ولی به هر حال رویه واحدی در دست نیست.

یکی دیگر از تفاوت‌هایی که بین حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد در ارتباط با غنایم جنگی و می‌توان به آن اشاره کرد این است که بر اساس کد لیبِر غنایم جنگی به طرفی که آن‌ها را در اختیار می‌گیرد تعلق خواهد داشت

و سربازان حق تملک نسبت به متعلقاتی که غنایم جنگی نامیده می‌شود، نخواهند داشت و در واقع این غنایم متعلق به کشور پیروز است نه سربازان آن کشور. در حالی که در حقوق بشردوستانه اسلامی همان‌طور که ذکر شد به حکم خداوند، چهار پنجم غنایم به سپاهیان تعلق داشت. بنابراین، آن جزئیاتی که در مورد تقسیم غنایم و سهم هر سرباز و هم‌چنین پاداش‌هایی که از غنایم به آن‌ها تعلق می‌گرفت در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و کنوانسیون‌های ژنو دیده نمی‌شود. در این خصوص گزارش‌هایی در ارتباط با جنگ خلیج فارس وجود دارد حاکی از اینکه سربازان بریتانیایی که از این قاعده تخطی کرده بودند، به همین سبب محاکمه نظامی شدند. (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۲۸۵).

در مجموع می‌توان گفت اموال و غنایمی که در پایان نبرد نصیب افراد سپاه پیروز می‌شود تابع قواعد و مقرراتی هستند که در حقوق بشردوستانه اسلامی و کنوانسیون‌های ژنو اندکی تفاوت دارند. در حقوق بین‌الملل معاصر در خصوص اموال غیرمنقول، دولت اشغال‌کننده فقط به عنوان مدیر می‌تواند از آن‌ها استفاده کند و آن اموال مصادره نمی‌شوند. در حالی که در حقوق اسلامی اموال به نفع دولت اسلامی مصادره می‌شدند. اموال منقول نیز در حقوق بشردوستانه معاصر اگر کاربرد نظامی داشتند مصادره می‌شوند در حالی که در عصر پیامبر این قید وجود نداشت و همه چیز بستگی به شرایط تسلیم داشت. از تفاوت‌های دیگر این بود که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه غنایم متعلق به کشور پیروز در جنگ است نه افراد سپاه آن کشور، ولی در حقوق بشردوستانه اسلامی، غنایم به حکم قرآن چهار به یک میان افراد سپاه و حاکم اسلامی تقسیم می‌شدند.

## نتیجه‌گیری

بعد از بررسی دو مقوله افراد مورد حمایت و مصادره اموال و غنایم جنگی در دو حوزه‌ی حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه که مهم‌ترین منابع آن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی اول و دوم آن است می‌باشد، در مقام مقایسه می‌توان گفت که؛ از نظر ضمانت اجرا و عملی بودن قواعد حقوق جنگ، قواعد و مقررات اسلام جزئی‌تر و دقیق‌تر و عملی‌تر است، هر چند که از نظر شکلی قواعد حقوق بین‌الملل مثل کنوانسیون چهارگانه ژنو مفصل‌تر بوده و دسته‌بندی بهتری را ارائه داده است. غیرنظامیان افراد پیر و ناتوان، زخمی‌ها، کودکان و زنان نباید مورد حمله و تجاوز قرار گیرند. رعایت این امر، در حقوق بین‌الملل اسلام مورد تأکید بسیار است ولی در سطح بین‌المللی عملاً به طور کلی رعایت نمی‌شود و شاید بتوان گفت بیشترین قربانیان جنگ‌های قرن اخیر، از غیرنظامیان می‌باشند. یکی از برجسته‌ترین نکات زندگی پیامبر(ص) شیوه رفتار آن حضرت با دشمنان شکست‌خورده است که امروزه از آن به عنوان حقوق بشردوستانه یاد می‌شود. پیامبر هم پیش از جنگ و هم پس از پیروزی در جنگ زمینه‌ی آزادی شکست‌خوردگان را فراهم کردند، در حالی که آن‌ها جزو غنایم به شمار می‌رفتند. به این ترتیب با این نتیجه‌گیری، فرضیه مذکور در مقدمه این مقاله تأیید می‌شود و در کل می‌توان گفت که از نظر تاریخی قدمت، این اقدامات و توصیه‌های ائمه معصومین به قرن‌ها پیش بر می‌گردد که همراه با ضمانت‌اجراهای مؤثر که از سوی خود پیامبر و ائمه نظارت می‌شد. آن دسته از مقررات امروزی که در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن و مقررات لاهه و سایر قوانین حقوق بین‌الملل وجود دارد، بیشترشان ریشه در همان دستورات و تعلیم اسلامی دارد که البته با شکل و سیاق نوین تدوین شده‌اند. مگر مواردی جدید که چون در صدر اسلام نبوده قواعدی هم برای آن وضع نشده است.



## یادداشت‌ها

۱. ماده ۱۲، بند ۴، کنوانسیون اول ژنو، ماده ۱۲، بند ۴، کنوانسیون دوم ژنو، ماده ۱۴، بند ۲، کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۲۷، بند ۲، کنوانسیون چهارم ژنو
۲. ماده ۷۶ پروتکل الحاقی اول
۳. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، مواد ۴ و ۵ پروتکل الحاقی دوم
۴. ن.ک به: کنوانسیون چهارم ژنو، مواد ۱۸-۲۳، ۱۶-۹۱، ۸۹، ۵۰، ۳۸، ۲۱ و ۱۲۷، پروتکل الحاقی اول مواد ۷۰ و ۷۶
۵. برای مثال: دستورالعمل‌های آرژانتین، استرالیا، کانادا، کلمبیا، فرانسه، آلمان، کنیا، ماداگاسکار، هلند، نیوزلند...
۶. کنوانسیون چهارم ژنو، مواد ۲۳، ۲۴، ۳۸، ۵۰، ۷۶، ۸۹، پروتکل الحاقی اول ماده ۷۰
۷. مواد ۴۵-۴۴، ۱۶، ۴۹ کنوانسیون سوم ژنو، مواد ۱۷، ۲۷، ۸۵ و ۱۱۹ کنوانسیون چهارم ژنو
۸. مواد ۳۰، ۱۶، ۴۵-۴۴، و ۱۱۰ کنفرانس سوم ژنو، مواد ۱۷، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۱۱۹ و ۱۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو
۹. مواد ۱۴ و ۱۷ کنوانسیون چهارم ژنو
۱۰. مواد ۱۱۷-۱۰۹ کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۱۳۲ کنوانسیون چهارم ژنو
۱۱. کنوانسیون اول ژنو، ماده ۱۵، بند اول، کنوانسیون دوم ژنو، ماده ۱۸، بند اول، کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۱۶، بند دوم
۱۲. پروتکل الحاقی اول، ماده ۱۰
۱۳. پروتکل الحاقی اول، ماده ۸
۱۴. مقررات لاهه، ماده ۵۳
۱۵. انفال، ۴۱
۱۶. مقررات لاهه ماده ۴، کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۸، بند اول

## منابع

### فارسی

- بو آزار (۱۳۶۹)، *اسلام در جهان امروز*، ترجمه مسعود محمدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳)، *حقوق بشردوستانه اسلامی؛ رهیافت اسلامی*، تهران: نشر علوم اسلامی.
- علی بن ابی طالب (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه دشتی، تهران: نشر مشهور.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۲)، *جایگاه حقوق بشردوستانه در علم سیر اسلامی*، بررسی تحولات اخیر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه تهران: نشر سر سم.
- محقق حلی (۱۳۷۲)، *شرایع الاسلام*، ترجمه ابوالقاسم بن احمد یزدی، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ ششم، جلد ۱.
- حمید...، محمد (۱۳۸۰)، *سلوک بین‌المللی دولت اسلامی*، ترجمه و تحقیق سید مصطفی محقق داماد، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- روسو، شارل (۱۳۶۹)، *حقوق مناصمات مسلحانه*، ترجمه دکتر سیدعلی هنجی، تهران: دفتر خدمات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، جلد ۱.
- هنکرتز، ژان ماری و لوئیس دوسوالدبک (۱۳۸۷)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ترجمه‌ی دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- بلدستو، بوسلاو و رابرت بوسچک (۱۳۷۵)، *فرهنگ حقوق بین‌الملل*، ترجمه و تحقیق دکتر

علیرضا پارسا، تهران: نشر قومس.

- خدوری، مجید (۱۳۸۷)، *جنگ و صلح در قانون اسلام*، ترجمه‌ی غلام‌رضا سعیدی و مقدمه‌ی سیده‌ادی خسروشاهی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- دانش‌پژوه، محمد تقی (۱۳۴۵)، *بحرافواید*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

### ب- عربی

- ابن هشام (بی تا)، *سیره رسول الله*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- عاملی، حر (۱۴۰۳)، *وسایل الشیعه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ پنجم.
- عدنان، السیدحسین (۲۰۱۰)، *العلاقات الدولیه فی الاسلام*، بیروت: مجد، چاپ دوم.
- علامه حلّی، حسین بن یوسف (بی تا)، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، بی جا: جلد ۲.
- طوسی، محمد حسن (بی تا)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه، جلد ۲.
- صاحب جواهر، محمد حسن باقر (۱۳۶۲)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج ۲۱.